

فرهنگ و تئاتر

چهاردهمین جشنواره فیلم فجر

| Sun | 4 Feb 2024 | vol.15 |
No. 4074 | 16 Pages



درباره «قلب رقه» فیلمی که در پایتخت داعش ساخته شد

نزدیک واقعیت

فرزاد مومتن در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف»:

طبقه متوسط از سینما

حذف شده است

حاشیه نگاری تماشای بازی تیم ملی ایران و ژاپن در برج میلاد

شادترین و بهترین فیلم جشنواره

نگاهی به آثار سینمایی میهن پرستانه در سینمای ایران

در جست‌وجوی ایران

درباره فیلم «قلب رقه»

چند قدم مانده به شاهکار



میلاد جمیل زاده خبرنگار گروه فرهنگ

در سینما و شبکه نمایش خانگی ایران، فیلم‌ها و سریال‌هایی که با موضوع نبرد با داعش ساخته شده باشند به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. پیکره اصلی این گروه مخوف امروز از هم پاشیده و تقریباً هر فیلمی که درباره آن ساخته شود، روایتی از جنگ در دوران به پایان رسیدنش به حساب می‌آید. یعنی ما برخلاف سینمای دفاع مقدس که عده‌ای از رزمنده‌های حاضر در آن پشت دوربین رفتند و قبل از شلیک آخرین گلوله‌ها فیلم‌هایی درباره‌اش ساختند، با موضوعی طرفیم که طیف گسترده‌ای از جامعه ایران با آن درگیری ذهنی پیدا کرده بود اما هیچ قصه کاملی درباره‌اش شنیدیم و داعش را صرفاً در قامت عده‌ای ریشوری بدون سبیل می‌شناسد که لباس سیاه پوشیده‌اند و قفطاری از فشنگ به کمرشان بسته‌اند و با فریاد الله اکبر یا قرانت دل بخوای آباتی از قرآن، مثل آب خوردن سر می‌برند. درحقیقت داعشی‌ها شبیه موجوداتی فراطبیعی به ما معرفی شده‌اند که با جنگ زدن به خرافاتی شبه‌دینی قفط می‌کشند و می‌کشند. اینکه آنها از کجا آمدند و چرا چنین می‌کنند، هیچ وقت درست و به‌طور کامل توضیح داده نشد و همین کار قصه‌گویی در این باره را به شدت مشکل می‌کند، چون عموم مخاطبان پیش‌زمینه ذهنی درباره‌اش ندارند. حالا که موضوع داعش به عنوان گروهی که داعس‌دار تاسیس دولت باشد به پایان رسیده و فقط خرده‌پاهای پراکنده‌ای از آن باقی مانده‌اند که برای زنده‌نمایی از این پیکره متلاشی شده، گاهی دست به تئورهای کور می‌زنند، سوال اصلی اینجاست که اساساً لزوم ساخت فیلم یا سریال درباره این پدیده چیست؟ یکی از چیزهایی که لزوم ساخت فیلم یا سریال در این خصوص را توجیه می‌کند، فعالیت علیه فراموشی است. اینکه از یاد ببریم چه بر سر ما و این منطقه آمد، حساسیت مان را نسبت به عواملی که می‌توانند زمینه‌ساز ظهور مجدد چنین پدیده‌هایی شوند از بین می‌برد. علاوه‌بر یاد بردن قهرمانان این نبرد، ذهن جامعه را از قدرت ایمان و اراده‌نهی می‌کند. دلیل دیگری که برای ساخت آثار هنری درخصوص داعش را با وجود به پایان رسیدن موج دولت‌خواهی می‌توجیه می‌کند، شناخت عوامل پرمسأله آن وضعیت است. باید از خودمان پرسیم چه چیزی باعث شد عده‌ای از افراد تا این اندازه سرلج بیفتند و تعصب بورزند و غوغایی خون‌آلود را در این اندازه به راه بیاورند؟ عده‌ای همه چیز را به راحتی گردن ذات اسلام می‌اندازند و می‌گویند اگر کسی به اسلام واقعی عمل کند، می‌شود همین داعش و آنهایی که داعشی نشده‌اند، مسلمانان خجالتی تری هستند. این باور ساده‌انگارانه و البته ابلهانه توضیح نمی‌دهد که چرا داعش با اسرائیل همدست و هم‌پیمان بودند و مسلمانان را می‌کشند؟ یا نقش سرویس‌های امنیتی آمریکا و انگلستان را در پدید آمدن چنین جزئومه فساد عمدا در نظر نمی‌گیرند. باید درباره داعش فیلم ساخته شود تا اولاً از منظر کلان، حامیان دولتی چنین

پدیده‌ای شناخته شوند و ثانیاً در جزئیات هم بفهمیم که پیروان این بیرق سیاه، نه با انگیزه‌های دینی بلکه با انگیزه‌های عقده‌های سرکوب‌شده‌شان در فرازهای مختلف زندگی، به این فرقه پیوسته‌اند. «قلب رقه» در چنین شرایطی ساخته شد و به نمایش درآمد؛ در شرایطی که سینما می‌بایست به این سوالات پاسخ می‌داد، این ابهامات را برطرف می‌کرد و چنین واقعیتی را جا می‌انداخت و درحافظه‌ها زنده نگه می‌داشت.

رقه شهری دستوری است که حدود چهار سال پایتخت داعش بود و داستان فیلم قلب رقه مثل سریال «سقوط» یا حتی تا حدودی فیلم «به وقت شام» حول یک عملیات نجات می‌گردد. درحقیقت ما هنوز فیلم یا سریالی نساخته‌ایم که نبرد‌های نظامی مان با داعش را به‌تصویر بکشد و تمام آثاری که ساخته شده‌اند، یا روایت جلوه‌گری از یک خرابکاری داعش در ایران هستند یا شرح یک عملیات نجات. این‌الگویی است که در سینمای جهان هم بسیار پررسانه است اما تنها الگوی فیلمسازی سرگرم‌کننده و در عین حال استراتژیک نیست. از آنجایی که تعداد آثار سینمایی و تلویزیونی ساخته شده در این موضوع بسیار کم است و هنوز یک شاهکار به‌عنوان الگو خلق نشده، از باقی آثار هم نمی‌توان توقع چندان عجیبی داشت. در این شرایط قلب رقه داستان یک عملیات نجات را با حرارت تمام و ریتم نفس‌گیر روایت می‌کند. دوربین به سوره رفته که همین به طبیعی‌تر درآمدن کار بسیار کمک کرده است؛ چنانکه به تفاوت اقلیمی بین ایران و سوره محسوس است و حتی بعضی اوقات نمی‌توان بیابان و صحرا و جنگل ایران را به جای صحرا و بیابان و جنگل سوره به‌جایز و هم توجه داشت که فضای شهری سوره به لحاظ سینمایی خیلی مناسب است و اگر فیلمی را چه به سوره به سوره در لوکیشن‌های دیگری ساخته شود، ممکن است توی ذوق مخاطب بخورد. فیلمساز توانسته همچنان چنین داستانی را کاملاً در بیاورد. ماجرای عاشقانه فیلم هم که جزء نوار حاشیه‌ای قصه نیست و در روند اصلی روایت تأثیری می‌گذارد، درست درآمده و وصله نجسب نیست. یکی از مشکلات اصلی فیلم معرفی داعش و انگیزه‌هایشان است تا آنجاکه یکی از شخصیت‌های منحووس روایت مجبور می‌شود در دیالوگ‌های تالازم، به زبان فارسی توضیح بدهد که به فلان دلایل عقده‌ای شده و با اینکه اعتقادات مذهبی ندارد، به داعش پیوسته است. با این همه می‌شود گفت قلب رقه فیلم خوبی است. یک تریلر هیجان‌انگیز امنیتی درباره پدیده‌ای شوم و چندش‌آور که همه مردم غرب آسیا هنوز آن را به یاد دارند. قلب رقه را می‌توان با فیلم‌های جنگی ایران که در دوره پیش از ساخته شدن آثاری مثل «پرواز در شب»، «دیده‌بان» و «مهاجر» و به نوعی قبل از پدید آمدن مفهوم سینمایی دفاع مقدس جلوی دوربین رفتند، مقایسه کرد. خلق چند شاهکار دفاع مقدس هم همچنان فیلم‌هایی که فقط اکشن یا فقط شعار بودند ساخته می‌شد اما به وجود آمدن الگوهای بزرگ، تأثیر چشمگیری روی روند فیلمسازی بعد از خودشان گذاشتند.

تهیه‌کننده «قلب رقه» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بعضی بازیگران به خانواده‌هایشان نگفته بودند در سوره هستند

سعید پروینی، تهیه‌کننده «قلب رقه» در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره تولید این اثر گفت: «پروژه قلب رقه در دل بحران تولید شد. پروژه‌ای که در دل بحران تولید می‌شود، اتفاقات خاص خودش را دارد. یک پروژه سینمایی آیازمانی در تهران نهایتاً تا ۴۵ یا ۶۰ جلسه جمع می‌شود. اما کاری که ما انجام دادیم با توجه به صحنه‌های پروداکشنی که داشت، تقریباً فیلمبرداری‌اش بیش از سه ماه طول کشید. بخشی از کار در ایران و بخشی هم در سوره بود. ما بیشتر کار را در سوره ضبط کردیم. «پروینی درباره سختی‌های ساخت فیلم در خارج از ایران گفت: «هر پروژه‌ای وقتی از تهران خارج می‌شود همه عوامل مجبورند تا از زندگی و خانواده‌شان برای مدتی جدا شوند اما چون در کشور خودمان هستند حتی اگر در دوزخین نقطه هم باشند، می‌توانند با یک پرواز خودشان را به تهران برسانند. اما وقتی برای

خبرالله تقیانی پور، کارگردان «قلب رقه» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سعی کردم یک داعش واقعی را نشان دهم



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

خبرالله تقیانی پور را پیش از این، در مقام کارگردانی برای سریال‌های تلویزیونی دیده بودیم. اولین اثر ساخته شده از او تله‌فیلم «توتل» است که در سال ۱۳۹۳ ساخته شد. ناسور، ترور، تنجلاز دیگر آثار این کارگردان است که آرام او را به عنوان یک کارگردان صاحب سبک در سینما و تلویزیون تثبیت کرد. این کارگردان در اولین فیلم سینمایی خود به سراغ یک سوژه در قلب نیروهای داعش رفته است. قلب رقه تلاشی برای یک روایت استراتژیک است اما به قول خودش، بالاخره قصه‌های عاشقانه به استخدام کارهایش می‌آیند تا مخاطب همراه سکانس‌های فیلم یا سریال‌ش باشد. به سراغ او رفتیم تا بر ایمان از روند ساخت این فیلم بگویید.

چیزی که مادر فیلم قلب رقه می‌بینیم جست‌وجویی عاشقانه در دل داعش است. چه شد که این سوژه را با چنین روایتی انتخاب کردید؟

ببینید برای من اتفاق و حرف عاشقانه مهم است. زمانی که تناثر کار می‌کردم و نمایش‌هایی که روی صحنه می‌بردم همیشه یک خط عاشقانه داشت، از آن طرف فیلم‌های ویدئویی و سریال‌هایی که ساختنم هم خط عاشقانه داشتند. همیشه به دنبال یک موقعیت متفاوت عاشقانه بودم. این کار هم مستثنی از این ماجرا نبود و سعی کردم داستانم را این بار از این زاویه روایت کنم. موتور محرک فیلم تناقضی است که در دل وحشت، خصومت و فجاج بزرگ شکل می‌گیرد و در چنین فضایی ما با یک داستان عاشقانه همراه می‌شویم.

داستان فیلم شما برگرفته از یک اتفاق واقعی بود؟

بخش عاشقانه درام برای خودم و یک داستان است اما بخش اتفاقی که در دل داعش رخ داده برگرفته از یک داستان واقعی است.

یعنی آدم‌های قصه واقعی بودند؟

نه. من قصه‌ای عاشقانه را در بستر اتفاق‌های واقعی شکل دادم. حالا ممکن است که این آدم‌ها در بستر جنگ داعش وجود داشته باشند. اما اینکه بگوییم این شخصیت حتماً مابه‌ازای واقعی داشته است، نه؛ این طور نبوده است.

پرداخت به این سوژه مطمئناً سختی‌های زیادی داشته است. با توجه به اینکه این کار، اولین فیلم بلند سینمایی شماست، کمی درباره سختی‌هایی که در پروژه داشتید، صحبت کنید.

بخش اعظمی از فیلمبرداری این کار در سوره بود. رفتن ما به سوره همزمان شد با اینکه اسرائیل بمباران و موشک باران چند شهر را آغاز کرد. در آن مقطع اگر اخبار را دنبال می‌کردید، متوجه این می‌شدید که صهیونیست‌ها هر از گاهی شهرهای سوره را بمباران می‌کردند. به نحوی که وقتی صبح برای فیلمبرداری می‌رفتیم نمی‌دانستیم شب سالم برمی‌گردیم یا خیر. شب می‌خوابیدیم و در چند کیلومتری هتل می‌دیدیم مکان‌هایی را اسرائیل بمباران کرده است. بعضاً جایی که موشک خورده بود را از نزدیک می‌دیدیم. چیزی که برای من تحسین‌برانگیز و قابل تقدیر بود، اینکه همه بچه‌ها پا به پای هم، یکدل و برادرانه سرکار می‌آمدند و همین به ما انرژی می‌داد و انگیزه‌ها چند برابر می‌شد.

برای نگارش فیلمنامه، چقدر وقت گذاشتید؟

تحقیقات و نگارش فیلمنامه حدود یک و یک‌هفته طول کشید اما بازنویسی اثر تا لحظه فیلمبرداری ادامه داشت. در واقع در حین فیلمبرداری نیز اگر ایده بهتری در ذهنم ایجاد می‌شد حتماً تغییر می‌دادم.

چقدر در ساخت قلب رقه از مستندها و فیلم‌هایی که در این مورد ساخته شده، استفاده کردید

و هم‌تراز از اینها تجربه کسانی که در سوره حضور داشتند، چه بود؟

بله استفاده کرده‌ام و کم هم نبوده است. مثلاً برخی از این دوستان بعد از خواندن فیلم نامه گفتند که ما چنین کاری در مواجهه با داعش نمی‌کردیم و سعی مان این بود که متن را در آن سکانس اصلاح کنیم. با اینکه نکاتی در مورد خود داعش داشتند که از تجربیات‌شان استفاده می‌کردم.

یک نکته که در فیلم‌های مربوط به داعش مشهود است، اینکه گاهی برخی فیلمسازان داعشی‌ها را شبیه زامبی نشان می‌دهند. چه تلاش‌هایی صورت گرفت تا در این فیلم روایتی نزدیک‌تر به واقعیت داعش نشان دهید؟

من این فیلم را در شهری که پایتخت داعش بود ساختم و دقیقاً به واقعیت نزدیک بودم. کل ایران را گشتیم و چند لوکیشن مدنظر داشتیم اما فکر نمی‌کنم حجم خرابی که در فیلم لازم داشتیم را می‌شد در هیچ کشور دیگری به جز عراق و سوره پیدا کنیم، بنابراین ترجیح دادیم به سوره سفر کنیم. با صحبت با کسانی که در این حوزه هستند و کار کرده‌اند سعی کردم واقعیت را نشان بدهم. البته این راه باید توجه کنیم که الان سران داعش کجا هستند؟ چه کسی اینها را انتقال داده است؟ اگر آنها به تفکری که داشتند اعتقاد داشتند باید می‌ماندند و شهید می‌شدند و به قول خودشان آن دنیا کنایه حوری‌های بهشتی می‌رفتند. اما می‌بینیم که فرار کردند. پیشنهاد می‌کنم مستندهایی که درباره داعش و شهر رقه است را حتماً ببینید. اگر بگویم مستندهایی که بچه‌های ما گرفتند یک طرفه به قاضی رفته است، ولی در یک سالی که کار تحقیق و پژوهش فیلمنامه را داشتیم و قبل از فیلمبرداری نزدیک به هفت هشت سفر به آنجا داشتیم و سعی کردم فقط از منظر خود به این ماجرا نگاه نکنم و کل ماجرا را نگاه کنم.

این در فیلم مشخص است.

بله. آنها زندگی می‌کردند و اداره جات داشتند و حکومتی برای خودشان تشکیل داده بودند؛ یعنی به معنای واقعی حکومت داشتند. این حکومت عدلیه، بیمارستان، وزارتخانه و... داشت.

با آدم‌هایی که در رقه زندگی می‌کردند، صحبت کردید تا نگاه واقعی‌تری نسبت به داعش و مدل زندگی با آنها داشته باشید؟

بله. پنج شش جلسه قبل از ساخت به سوره رفتم و این صحبت‌ها را داشتیم. تصور این است که در پایتخت داعش و جایی که حکومت می‌کرد همه افراد باید شبیه داعش باشند. اما در واقعیت این طور نبود. اینها قانونی داشتند و بر اساس آن قانون آدم‌ها را تقسیم‌بندی می‌کردند. عوام‌الناس، مهاجرین، انصار و مجاهدین.

مثل همان چیزی که در فیلم آمده است.

بله. سعی کردم در ریافت شهری که شما آدم‌ها را می‌بینید بتوانم تفکیک کنم که عوام‌الناس همان افرادی هستند که همه جای دنیا پیدا می‌کنید و قطعاً در پایتخت داعش هم پیدا می‌کنید. انصار، مهاجرین، مجاهدین و... نیز هستند که نگاه و زندگی آنها را می‌بینید.

شهرام حقیقت دوست چقدر به آن چیزی که برای این نقش متصور بودید، نزدیک شد؟
سابقه همکاری ام با شهرام حقیقت دوست از تناثر شروع شد و سال ۹۶ یک نمایش را در سالن اصلی تناثر شهر شروع کردیم و از آن همکاری لذت بردم و زمانی که ایده فیلم قلب رقه شکل گرفت آن را با شهرام در میان گذاشتم و استقبال کرد. من با این نقش می‌خواستم یک نیروی آتش با اختیار خیره‌انسان بدهم که در کنار اینها عاشق هم هست و شهرام حقیقت دوست توانست همه اینها را در کنار هم داشته باشد و از پس این نقش به خوبی برآید.